



سیره عملی عالمان شیعی در تعامل با مردم مطالعه موردی: شیخ بهایی

پدیدآورده (ها) : ثواب، جهانبخش؛ مروتی، فریده
تاریخ :: پژوهشنامه تاریخ تشیع :: بهار 1396 - شماره 1 (علمی-پژوهشی)
از 55 تا 74
آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1297548>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان
تاریخ دانلود : 09/07/1397

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تالیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوائین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

سیره عملی عالمان شیعی در تعامل با مردم مطالعه موردی: شیخ بهایی

جهانبخش ثواقب^۱

فریده مروتی^۲

پژوهش‌نامه
تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۵۵

چکیده

یکی از کارکردهای عالمان شیعی در جامعه، که از آموزه‌های دینی الهام می‌گرفت، رسیدگی به نیازهای مردمان بوده‌است. از جمله این علما، که به ایجاد سازمانهای عام‌المنفعه و رسیدگی به حوایج مسکینان، نیازمندان و یتیمان و التیام‌بخشی آلام آنان اهتمام داشته شیخ بهایی (۱۰۳۰-۱۰۳۱/۹۵۳) بوده است. در این مقاله، نویسندگان کوشیده‌اند تا فارغ از شخصیت علمی، دینی و حکومتی شیخ، سلوک اجتماعی و سیره وی را در رفتار با مردمان و مواجهه با مشکلاتشان بررسی کنند. از جمله یافته‌های این پژوهش این است که شیخ بهایی اقدامات مؤثری در جهت بهسازی زندگی و تأمین رفاه و آسایش توده مردم و رفع مشکلات آنان به‌کار بست و حضور او در دربار و همکاری‌اش با شاهان صفوی نه تنها از دامنه تعامل او با مردم نکاست، بلکه موجب آن شد تا وی پناهگاه مردمان در برابر اجحافات پادشاه و کارگزاران باشد.

کلیدواژه‌ها

خدمات اجتماعی در ایران سده دهم و یازدهم، شیخ بهایی، طبقه عامه، عالمان شیعی عصر صفوی، مؤسسات تمدنی قدیم.

۱. استاد تاریخ دانشگاه لرستان (نویسنده مسنول). jahan_savagheb@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه لرستان. az.farideh.453.a@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۲۸

مقدمه

یکی از ویژگی‌های تاریخی روحانیت شیعه، ارتباط مستحکم با مردم و داشتن پایگاه مردمی است. غالب روحانیان یا همان عالمان دینی از میان طبقات فقیر و محروم جامعه و بیشتر از روستاها برخاسته و با درد و رنج توده‌های اجتماعی آشنا و با آن بزرگ شده‌اند. از این رو، هیچ‌گاه ارتباط فرهنگی و معنوی خود را با مردم از دست نداده‌اند. از طرفی چون همین توده مردم با توجه به اعتقادات مذهبی، خود را موظف به پرداخت وجوهات شرعی چون خمس، زکات، نذورات دانسته و تأمین‌کننده نیازهای روحانیون بوده‌اند و عالمان نیز سعی کرده‌اند زندگی ساده و به‌دور از تجملات معمول را برای خویش فراهم نمایند، این امر موجب پیوند آنان با مردم شده است. از سویی، بسیاری از این عالمان با استقلال اقتصادی از نظام سیاسی و عدم اتکا بر دولت‌ها و زمامداران وقت به‌آسانی می‌توانسته‌اند از حقوق مردم در برابر حکومت‌ها دفاع کنند. این پیوند دوجانبه مردم و عالمان دینی در جامعه ایران که براساس آموزه‌های شیعی شکل گرفته، اقتداری را برای عالمان پدید آورده که در پرتو آن مردم در برابر نظام‌های سیاسی پناهمگاهی برای خود یافتند و عالمان از همین مردم در دفاع از کیان اسلام و ایجاد جنبش‌های ضد استبدادی و ضد استعماری بهره برده‌اند. افزون بر این، عالمان دینی به‌لحاظ نفوذ مادی و معنوی در دستگیری از مستمندان و خدمت‌رسانی به جامعه و گره‌گشایی از مشکلات توده مردم نقش مؤثری ایفا کرده مورد رجوع مردم قرار گرفتند.

هدف اصلی این پژوهش، افزون‌بر تبیین مبانی نفوذ عالمان شیعی در جامعه، بررسی جایگاه مردم در اندیشه شیخ بهایی، به‌عنوان مصداقی از جامعه بزرگ رهبران دینی و تبیین سیره عملی و کنش اجتماعی او در تعامل با مردم است. این پژوهش تاریخی که در گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای انجام یافته، با واکاوی حیات سیاسی، اجتماعی و مذهبی شیخ بهایی و تحلیل آگاهی‌های فراهم‌آمده از منابع تاریخی درباره وی صورت گرفته است. انتخاب شیخ بهایی از آن رو صورت گرفته که وی مدتی در دربار صفویه با نظام سیاسی همکاری داشته و مورد احترام و مشورت پادشاهی بزرگ چون شاه عباس یکم بوده است. این شائبه ممکن است در اذهان پدید آید که آیا او توانسته تعامل منطقی با مردم داشته باشد؟ آیا حضور در دربار صفوی موجب نشده که از چهره مردمی او کاسته شود؟ شیخ بهایی چگونه میان بُعد مردمی يك عالم شیعی مورد انتظار جامعه و جنبه سیاسی شخصیت خود که همکاری با پادشاه صفویه بود، جمع نموده است؟ فرضیه پژوهش آن است که شیخ از موقعیت حضور در دربار صفوی به‌عنوان فرصتی برای خدمت‌رسانی و رسیدگی به امور مردم بهره می‌برده است.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۵۶

درباره جنبه‌های گوناگونی از شخصیت علمی، فقهی، ادبی و سیاسی شیخ بهایی پژوهش‌هایی انجام گرفته از جمله شناخت‌نامه شیخ بهاء‌الدین عاملی، شامل ۴۰ مقاله فارسی به‌کوشش زمانی‌نژاد (۱۳۸۷ش)، مجموعه‌ای از گفتارها و نوشته‌های محققین در سیره شیخ بهایی (۳۰ مقاله) به عربی (۱۳۸۷ش)، مدخل «بهاء‌الدین عاملی» در دانشنامه جهان اسلام به قلم هانی ملازاده (۱۳۷۷ش) و مقاله «نواب» (۱۳۹۲ش) درباره مکتب فقهی شیخ بهایی، اما سیره اجتماعی و تعامل عملی وی با مردم مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته‌است. این پژوهش که به لحاظ استنباط‌ها و دریافت‌هایی از تعامل مردمی شیخ، پژوهشی ابتکاری و نوآورانه است، می‌تواند با برطرف کردن خلأ موجود، پرتوی بر این جنبه از شخصیت شیخ بیفکند.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۵۷

مبانی اقتدار عالمان شیعی در جامعه

در عصر صفویه به‌سبب رسمیت‌یافتن مذهب شیعه اثناعشری در ایران، عالمان دینی به اعتبار و جایگاه‌الایی در دولت و نظام اداری و نیز در سطح جامعه دست یافتند. آنان در این دوره و پس از آن، از جمله بازیگران عمده صحنه سیاست، فرهنگ و اجتماع بوده‌اند. در ساختار جامعه صفوی که شاه در رأس هرم اجتماعی قرار داشت و پس از او ارکان دولت یا صاحب‌منصبان لشکری و کشوری و گروهی از مقامات روحانی جای داشتند. در قاعده این هرم، مردم عادی شامل دهقانان مناطق روستایی، صنعتگران، دکان‌داران و تجار کوچک شهرها قرار داشتند. برخی از روحانیان اداره املاک بزرگی را برعهده داشتند که بنا بر وصیت یا از طریق بخشش‌های افراد برای امور مذهبی فراهم شده بود. سایر روحانیون که متوجه نقش ویژه خود، به‌عنوان حفاظی میان قدرت مطلقه فرمانروا و رعایایش بودند، نهایت سعی خود را در حفاظت از عامه مردم در برابر مقامات کشوری و لشکری حکومت جور به‌عمل می‌آوردند (سیوری، ۱۷۴). از ویژگی‌های مهم جامعه عصر صفوی اتحاد محکمی بود که بین علما و سایر گروه‌هایی که جمع بازار را تشکیل می‌دادند به‌وجود آمد. این جمع عبارت بودند از بازرگانان، اعضای اصناف (صنف‌های صنعتگران و کسبه) و اعضای انجمن‌های اخوت نیمه‌مذهبی نظیر فتوت. این اتحاد با ازدواج متقابل بین علما و خانواده‌های بازرگانان استحکام فزاینده‌ای یافت. این‌که در زمان صفویه علما اداره بسیاری از موقوفات را به‌دست آوردند، به اشتراک منافع آنان با طبقه بازرگانان کمک کرد (همو، ۱۸۲). عالمان دینی از طریق تولیت اوقاف و دراختیارداشتن املاک و رقیبات، در کنار قدرت‌های اجتماعی-اقتصادی و سیاسی محلی به صاحبان قدرت مناطق تبدیل می‌شدند (بنانی، ۱۹۶). مجتهدان از زمان سلطنت شاه عباس یکم به بعد نفوذ زیادی بر افکار عمومی داشتند. گاهی مجتهدان مرکز افکار عمومی و حتی گاهی کانون اعتراض دینی در مقابل قدرت حکومت بودند (همو، ۱۸۵).

نگاهی به مسؤولیت‌های علما در مناصب و مقاماتی که در دوره صفویه برعهده داشتند به- خوبی گسترده‌گی حیطة عمل آنان را در جامعه نشان می‌دهد. سرآغاز نوشته‌های اداری عصر صفویه مانند تذکره‌الملوک و دستورالملوک در بیان مقامات مذهبی است، سپس به شرح سایر کارگزاران دولت پرداخته‌اند (میرزا سمیعا، ۴-۱؛ میرزا رفیعا، ۱۸۰-۱۷۲). این شیوه از نگارش در کتاب‌های تراجم و نیز تواریخی که فصلی را به تراجم اختصاص می‌دادند، رعایت می‌شد (نک. خواندمیر، ۴/ ۶۱۸-۶۰۳؛ منشی، ۱/ ۲۵۱-۲۲۸، ۳/ ۱۸۱۴-۱۸۱۳؛ واله، خلدبرین، ۳۰۵، ۴۴۳-۴۱۲؛ همو، ایران در...، ۳۶۷-۳۶۴). منابع این دوره از توقیر و احترام شاهان صفوی نسبت به سادات و علما، سفارش به کارگزاران خود برای رعایت جانب احترام آنان، اختصاص سالانه مبالغی برای سادات شهرهای مختلف ایران، مدینه و عتبات عالیات، همنشینی و مصاحبت با علما، یاد کرده‌اند. هم از این رو برخی از این عالمان و خاندان سادات در این دوره نفوذ و اعتبار چشمگیری به دست آوردند (منشی، ۱/ ۲۲۹-۲۲۸؛ قمی، احمد، ۱/ ۳۶۶-۳۶۵، ۵۸۵، ۵۹۷، ۵۹۸). بسیاری از این سادات، علما و فضایی که در فهرست‌های مزبور وصف‌شان آمده، عالم علوم معقول و منقول بوده و در کسوت مدرّسی مدارس دینی و تربیت شاگرد، قضاوت، صدارت، وزارت، نقابت، قاضی‌عسکری، شیخ‌الاسلامی، مجتهدی، محتسبی (احتساب)، تصدی شریعات و وجوهات، پیش‌نمازی، خطابت و وعظ، خادمی و تولیت آستانه امام رضا ۷، تولیت موقوفات، تولیت بقاع و امامزادگان، وکالت مالیات دیوانی، امامت جماعت و جمعه، معلمی شاهزادگان صفوی، کلانتری، مستوفیگری، منشیگری، نظارت بیوتات، حتی داروغگی و مهربرداری فعالیت داشتند و در عین حال به نگارش کتاب‌ها و رسائل گوناگون، رسیدگی به امور مذهبی جامعه و پاسخ‌گویی به پرسش‌های عقیدتی مردم، ترویج تشیع، نشر معارف دین و تفسیر قرآن کریم مشغول بوده‌اند (نک. همانجاها). بسیاری از این سادات و روحانیون به سبب برخورداری از سیورغالات، انعامات، اوقاف، پاره‌ای از مناصب دولتی، از پشتوانه مالی و اقتصادی مناسبی برخوردار شده (نک. منشی، ۱/ ۲۲۸-۲۴۳)، از این طریق با ارائه خدمات اجتماعی و مددسسانی به نیازمندان، پایگاه مردمی خود را افزایش دادند. طیف وسیعی از نیروهای مذهبی به حکم صدر در مناصب خود تعیین می‌شدند و تحت نظر وی کار می‌کردند (میرزا سمیعا، ۳-۲؛ میرزا رفیعا، ۱۷۵-۱۷۳). منصب صدر به لحاظ اهمیت، در دوره صفویه تنها به «سادات عظیم‌القدر فاضل پرهیزگار» سپرده می‌شد (منشی، ۱/ ۲۲۹). وظایف شیخ‌الاسلام، قاضی دارالسلطنه اصفهان، قاضی‌عسکر نیز دارندگان این مناصب را که از عالمان دین بودند در ارتباط با مردم قرار می‌داد (نک. میرزا سمیعا، ۴-۳؛ میرزا رفیعا، ۱۸۰-۱۷۹).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۵۸

وظایف ملامت‌پاشی، از مناصب اواخر صفویه، که در واقع در رأس همه روحانیون قرار داشت، نیز زمینه تعامل دارنده این منصب را با مردم نشان می‌دهد. از جمله وظایف او رسیدگی به حقوق طلاب و نیازمندان، رفع تعدی از مظلومین، شفاعت مقصرین، تحقیق مسائل شرعی و تعلیم ادعیه و امور شرعی و تقسیم وجوه برّ و صدقات میان نیازمندان بود (میرزا سمیعا، ۲-۱؛ میرزا رفیعا، ۱۷۳). تولید بقاع متبرکه شامل مساجد و مقابر امامزادگان، شیوخ، مقدسین صاحب کرامت و علمای مشهور برعهده متولیان از زمره عالمان دین بوده است. مؤذنان، قاریان و خادمان مساجد نیز در زمره روحانیون بودند. این عالمان از منبر برای وعظ مردم استفاده می‌کردند. پیش‌نمازی مساجد خود موجب جلب توجه و اقبال عمومی مردم می‌شد. روزهای جمعه نیز نماز جمعه برگزار می‌شد (کمپفر، ۱۳۲-۱۲۸). وظایف این متولیان به‌ویژه تولید آستان امام رضا ۷ (میرزا رفیعا، ۱۷۶-۱۷۵)، آستانه حضرت معصومه ۳ همو، ۱۷۷) و آستانه حضرت عبدالعظیم (همو، ۱۷۸) که از عالمان دینی بودند، زمینه تعامل اجتماعی آنان را با مردم می‌ساخت.

گزارش‌های سیاحان اروپایی حاکی از آن است که عالمان دین در ایران مورد احترام بسیار طبقات مختلف مردم بودند و نفوذ و موقعیت خاصی در تمام کشور داشتند. این سیاحان از مقامات گوناگونی که عالمان دینی برعهده داشتند به‌ویژه از ارتباط آنان با مردم، منزلت ایشان در نگاه مردم، وظایف گوناگونی که از آن طریق به مردم خدمت‌رسانی کرده و کارهایی چون سخنرانی‌های مذهبی در جمع مردم، ارشاد و وعظ اخلاقی، تدریس علوم معقول و منقول، تفسیر قرآن، تربیت شاگرد، رسیدگی به دعاوی و اختلافات حقوقی و امور شرعی مردم از جمله وصیت، پیوند زناشویی و طلاق، رسیدگی به امور عقود و خرید و فروش و مالکیت، ضبط مال غایب و یتیم، پیش‌نمازی مساجد شهرها و برگزاری نماز جمعه، قرائت قرآن در مساجد، اداره موقوفات و چگونگی مصرف عواید آن، اداره مدارس دینی و مساجد و اماکن متبرکه، حکم شرعی نظامیان و دیگر امور، سخن گفته‌اند (کمپفر، ۱۲۹-۱۲۱، ۱۴۳-۱۳۹، ۱۶۴؛ سانسون، ۴۳-۳۷؛ شاردن، ۱۳۳۹/۴-۱۳۳۴، ۱۳۴۲، ۱۳۴۴، ۱۶۵۴؛ تاورنیه، ۵۹۰-۵۸۸؛ اولناریوس، ۷۶۳/۲).

در مجموع در عصر صفویه سادات و عالمان دینی با حضور در عرصه اجتماع و سیاست به اشتها بالایی در جامعه نائل شدند. آنان با افزایش نفوذ اجتماعی خود و با بهره‌گیری از منصب مجتهدی به‌عنوان نایبان امام و با اتکا بر عقاید و باورهای مذهبی مردم، موقعیت و جایگاه ویژه‌ای برای خویش ایجاد کردند و حتی در مواقع لزوم با طرح دعوی، قدرت و نفوذ مذهبی شاه را به معارضه می‌طلبیدند. در این زمان نفوذ و قدرت علما بر پایه همان عوامل ذهنی و عینی مثل گسترش و همه‌گیر شدن اعتقادات مذهبی شیعی و توسعه نهاد روحانی و پایگاه‌های فکری و اقتصادی آن مانند مدارس، مساجد، موقوفات و خمس و زکات و سایر حقوق مالی شرعی در حال

رشد و افزایش بود و رقابتی پنهانی میان دو نهاد سیاسی به ریاست شاه و نهاد مذهبی به ریاست عالمان و مجتهدان جریان داشت (نک. آقاجری، ۴۴۸-۴۵۰). به تعبیری در یک نظام شیعی، مردم که دعوی افضلیت و تقدم علما را بر حکام، به حق می‌شمردند، علما را به‌عنوان پیشوایان خود پذیرفتند. بسیاری از پیشوایان مهم مذهبی عموماً از طریق ارتباط با طبقات پایین‌تر و به‌خصوص از طریق اصناف، قدرت خود را اعمال می‌کردند.

با این تبیین از موقعیت و جایگاه عالمان شیعی در جامعه عصر صفوی که با همه حوادث و جریان‌های مختلفی که سعی در حذف یا کاهش موقعیت آنان داشته، پس از آن نیز تداوم یافت، می‌توان مجموعه‌ای از عوامل نظری و عملی را مطرح کرد که موجب نفوذ عالمان دینی شیعی در جامعه و در میان مردم گردید و مسئولیت آنها را در برابر مردم نیز رقم زد. از جمله: ۱. مبانی اعتقادی برگرفته از مذهب تشیع نظیر مساوات‌گرایی و عدم تبعیض بین انسان‌ها (که خود از عنصر توحید در پیش شیعه نشأت می‌گرفت) که منجر به طرد نظام سیاسی طبقاتی و ظالمانه می‌شد؛ ۲. عقیده به مسأله امامت و عصمت ائمه در امر رهبری امت پس از پیامبر اسلام ﷺ که به پذیرش هر زمامداری تن نمی‌دادند؛ ۳. اعتقاد به غیبت امام زمان (عج) و اصل نیابت عامه فقها و دارا بودن حق اجتهاد و داشتن حق فتوی؛ ۴. وظایف عملی عالمان در مسأله ارشاد و هدایت، تعلیم و آموزش و اداره اماکن آموزش سنتی، دریافت وجوهات شرعی مردم، پاسداری از قانون و شریعت اسلام، آموزش، تفسیر و اجرای فقه اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر، عهده‌داری محاکم شرعی و قضاوت، اداره اراضی و تنظیم اسناد ملکی، ازدواج و طلاق، سرپرستی موقوفات و بقاع متبرکه و اماکن زیارتی و مساجد، امامت جماعت مساجد، که آنان را به‌عنوان دادرس مظلومان، سرپرست اموال صغیران، نگهبان یتیمان و غیره، در جامعه مطرح می‌کرد (نک. کمپفر، ۱۴۰-۱۲۱؛ سانسون، ۴۳-۳۷؛ شاردن، ۴/۱۳۴۴-۱۳۳۴؛ تاورنیه، ۵۹۰-۵۸۸)؛ ۵. سنت بست-نشینی و مسأله پناهگاه و ملجأبودن خانه عالمان برای مردم، ستم‌دیدگان، فراریان از ستم (برای نمونه‌ای در عصر صفوی، نک. منشی، ۱/۵۶۱)؛ ۶. دراختیارداشتن منبر و وعظ و ارشاد مذهبی (خطابه و سخنرانی) که می‌توانستند مردم را آگاه ساخته در مواقع لزوم در مخالفت با دولت‌ها و ستم‌گران سخن بگویند، و استفاده از حق فتوا و مرجعیت در مواقع حساس و ضروری، و بهره‌گیری از حربه تکفیر برضد مخالفان و دشمنان (نک. الگار، ۴۷-۱۸؛ سحابی، ۹۲-۸۴؛ کدی، ۴۷-۳۹؛ ملک، ۶۳۴-۶۱۷).

از این‌رو روحانیت برای شیعیان هم مرجع بوده است و هم ملجأ. برای درک مطالب دینی و علمی به آنها رجوع می‌کردند و برای فرار از ستمگران و مأموران دولت به آنها پناه می‌آوردند. خانه روحانیون مانند مزار امام‌ها و امام‌زاده‌ها به‌عنوان بست و تظلم‌گاه شناخته می‌شد و یکی از عوامل

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۶۰

محبوبیت و اهمیت آنها نیز همین بود (بازرگان، ۱۱۴). خلاصه این که از وظایف عالمان شیعی، رهبری مذهبی مردم و دفاع از آنها در برابر حکمرانان بود و قدرت آنان به اندازه‌ای بود که حتی خودکامه‌ترین سلاطین را وادار به تمکین در برابر آنها می‌کرد. عالمان قادر بودند که اقتدار وسیع خود را در بسیج توده‌ها و رهبری جنبش‌های اجتماعی در برابر نظام‌های سیاسی به کار گیرند. تبیین چگونگی نفوذ عالمان دینی در جامعه و کنش اجتماعی آنان و شناخت بسترهای فراهم‌آورنده این قدرت و نفوذ، مقدمه‌ای ضروری است تا برپایه آن بتوان سیره عملی شیخ بهایی را به عنوان مصداقی عینی در تعامل با مردم تحلیل کرد.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۶۱

شیخ بهایی از نمونه عالمان شیعی است که به‌رغم حضور در دربار صفوی، فریفته مظاهر دنیوی و جذبه‌های قدرت و ثروت نگردید و در کسوت عالمی زاهد و اهل ریاضت و مکاشفه زندگی کرد و در حفظ پیوند خویش با توده مردم کوشید. شرح زندگانی شیخ، مسافرت‌ها، چگونگی ورود به دربار صفوی و خدمات و مأموریت‌های وی در منابع تاریخی و رجالی آمده است و نیازی به بازگفتن آنها نیست (نک. منشی، ۱/ ۲۴۹-۲۴۶ و ۳/ ۱۶۰۲-۱۶۰۱؛ قمی، عباس، ۲/ ۸۱۴-۷۹۰؛ کشمیری، ۳۴-۲۷؛ واله، خلدبرین، ۴۳۵-۴۳۴؛ سیستانی، ۱۴۵). نکته قابل ذکر این است که مناصب اجتماعی و اداری شیخ و آمدوشد به دربار سبب نمی‌شد که شیخ بهایی از یک طرف در روابط خود با شاه جانب شرع را فروگذارد (برای نمونه، نک. منجم، ۳۶۰) و از طرف دیگر، مانع از ارتباط مردمی و توجه شیخ به امور مردم شود.

وجوه مردمی شخصیت شیخ بهایی

براساس آنچه در تبیین جایگاه عالمان شیعی در عصر صفوی و شرح مقامات و وظایف آنان مطرح شد، جنبه مردمی و سیره عملی شیخ بهایی در تعامل با مردم و توجه او به امور مردم را می‌توان چنین توضیح داد:

۱. **خصایص شخصی اخلاقی.** درباره شیخ بهایی گفته‌اند که بسیار بخشنده بود و سرایی بزرگ داشت که پناهگاه یتیمان و محرومان و مکانی برای نگهداری و تربیت اطفال بی‌سرپرست بود (محبی، ۳/ ۴۴۱؛ مدنی، ۲۹۰؛ قمی، عباس، ۲/ ۷۹۲). از این رو، یتیمان و بیوه‌زنان و حاجتمندان بسیار از اطراف بلاد به وی التجا می‌آوردند و «و او متکفل حال ایشان می‌بود و از نزد خود توسعه کفاف ایشان می‌فرمود» (مدنی، ۲۹۰؛ کشمیری، ۲۸). او از معاشرت با توده مردم، حتی دراویش و معرکه‌گیرهای اصفهان هم روی‌گردان نبود و به تعبیر خویش «میل قلندری» (نک. صفحی، ۷۲؛ معصومی، ۱۸۷) داشت. وی حتی عالمانی را که از جیل عامل برای بهره‌گیری علمی از وی به اصفهان می‌آمدند مدتی طولانی در منزل خود

جای می‌داد (حرعاملی، ۱/ ۷۸، ۹۳). بنابراین، خدمت‌گزاری و دست‌گیری، از خصیصه‌های اخلاقی شیخ بوده و از بذل علم و انفاق مال و خدمت به مردم کوتاهی نداشته است.

۲. استفاده از نفوذ اجتماعی و فرصت حضور در دربار برای رسیدگی به امور مردم. یکی از دلایل آمدورفت شیخ به دربار صفوی، تأثیرگذاری بر رفتار و اعمال و تصمیم‌گیری‌های پادشاهان بوده است تا از این طریق با مهار نظام سیاسی بتواند از برخی زیاده‌روی‌ها و ستم‌ها بر مردم جلوگیری کند. سخنان مورخان و تراجم‌نگاران حکایت از جایگاه بلند شیخ نزد پادشاه صفوی و پذیرش نصایح او توسط شاه دارد؛ به‌گونه‌ای که غالباً در سفر و حضر در کنار شاه عباس حضور داشته و پادشاه از مصاحبت او برخوردار بوده و در احترام به وی کوتاهی نداشته است. البته تدابیر و نظریات شیخ نیز در استواری دولت شاه عباس مؤثر بوده است (منشی، ۱/ ۲۴۸؛ منجم، ۳۴۷؛ سیستانی، ۱۴۵؛ مدنی، ۲۹۰؛ کشمیری، ۲۸). استناد به سخنانی که دال بر موقعیت و شأن شیخ بهایی نزد پادشاه صفوی بوده و نیز توجه به این نکته که شیخ در برخی از امور سیاسی و اجتماعی طرف مشورت پادشاه قرار می‌گرفته، بدین جهت است که شیخ می‌توانسته ضمن هدایت شاهان، دیدگاه‌های خود را که طبیعتاً جهت‌گیری مردمی داشت به آنها بقبولاند. از سویی، حضور شیخ در امور سیاسی، اجتماعی و قضایی، ناگزیر او را در تعامل با مردم قرار می‌داد و چه بسا که می‌توانست برخی از حوائج آنان را برطرف سازد. در دیدگاه شیعه با این که معونه به ظالم حرام است، اما این اصل پذیرفتنی است که می‌توان با هدف اصلاح امور، کاستن از ظلم و ستم و دستگیری از مردم در یک حکومت ستمگرانه عهده‌دار مسئولیت شد. افزون بر این، در دوره صفویه، پادشاهان این سلسله به‌عنوان حامیان تشیع ظاهر شدند و طبیعی است که به خدمات عالمان شیعی در حکومت نیازمند شدند و عالمان نیز از این فرصت در جهت اهداف دینی خویش بهره گرفتند. از این‌رو شیخ بهایی از نظر ضرورت و به قصد کارگشایی و تعدیل و جلوگیری از لجام‌گسیختگی و خودکامگی ارباب مناصب با دربار صفوی ارتباط داشت و در همان حال به نقد مقام و منصب نیز پرداخته و در اشعارش از این که در زندان علایق گرفتار گشته تأسف می‌خورد (بهایی، ۱۶۲-۱۵۹، ۱۷۶، ۴۴۱ - ۴۴۰؛ امین، ۱۹/ ۲۴۰؛ زنون، ۲/ ۱۶۵). سرانجام همانند پدر خود از مقامات ظاهری کناره‌گیری و به زندگی زاهدانه روی آورد.

۳. استفاده از موقعیت شیخ‌الاسلامی در جهت رسیدگی به امور مردم. شیخ‌الاسلامی از مناصب مهم دینی در عصر صفویه بود و شیخ‌الاسلام در زمره یکی از عالمان بزرگ دینی آن عصر و متبحر در امور شرعی و مدنی، وظیفه نظارت بر امور شرعی را داشت و یکی از

کارهای مهم وی قضاوت بوده است. او در مورد مسائل دینی و همچنین دعاوی حقوق مدنی بر مبنای فقه حکم می‌داد و حکم وی الزام‌آور بود. شیخ‌الاسلامان به جهاتی در دربار صفویه اعتبار و نفوذ زیادی یافتند و در جامعه دارای احترام و شأن والایی بودند. به لحاظ دسترسی آسان‌تر شیخ‌الاسلام به شاه (چه به سبب منصب رسمی و چه به سبب پیوستگی به دربار با پیوند ازدواج)، مردم آراء و احکام او را دارای ارزش و اعتبار بیش‌تری نسبت به قاضی می‌دانستند (نک. کمپفر، ۱۲۴؛ شاردن، ۴/ ۱۳۳۹-۱۳۳۷). شیخ‌الاسلام در خانه خود به دعوای شرعی و امر به معروف و نهی از منکر می‌رسید و طلاق شرعی در حضور او انجام می‌شد و نگهداری مال غایب و یتیم اغلب با وی بود و پس از آن به قضات داده شد. اسناد و قبایح مردم نیز به مهر او می‌رسید (میرزا سمیعاً، ۳؛ میرزا رفیعاً، ۱۷۹). سانسون پس از صدر خاصه و عامه، شیخ‌الاسلام را بزرگ‌ترین صاحب‌منصب امور شرعی و مدنی ذکر می‌کند که به دعاوی بیوه‌زنان و یتیمان و صغاری که زیر نظر قیم اداره می‌شدند، رسیدگی می‌کرد و اداره سایر امور شرعی را نیز برعهده داشت. به نوشته وی، شیخ‌الاسلام بیش‌تر دعاوی و اختلافات را شخصاً حل و فصل می‌کرد (سانسون، ۴۲).

آن‌گونه که در شرح زندگانی شیخ بهایی آمده، وی به تقاضا و درخواست شاهان صفوی مدتی شیخ‌الاسلام اصفهان (بالاترین منصب رسمی دینی) شد؛ هر چند این منصب مورد علاقه او نبود و هم‌چنان گرایش به عزلت داشت و در زی زهد و درویشی به سر می‌برد. حتی پیوسته سعی در کناره‌گیری و استعفا از شیخ‌الاسلامی داشت و به گزارش بعضی منابع برای مدتی از این مقام کناره گرفت (منشی، ۱/ ۲۴۷؛ افندی، ۲/ ۱۳۶-۱۱۹؛ حرعاملی ۱/ ۷۷-۷۴). با این حال، شیخ بهایی در چنین منصبی می‌توانست با قضاوت و دادرسی عادلانه، حل و فصل اختلافات مردم، تأمین مصلحت آنان، یاری رساندن به نیازمندان جامعه و رسیدگی به امور مظلومان، عمل سیاسی پذیرش مسؤلیت و همکاری با دولت صفویه را در خدمت اهداف مردمی خود به کار گیرد. در واقع در پوشش منصب شیخ‌الاسلامی و وظیفه امر به معروف و نهی از منکر، هم در اصلاح جامعه و اهتمام ورزی به امور مردم بکوشد و هم ارباب قدرت را از رواداشتن ظلم و ستم بر مردم و اجحاف در حق آنان، باز دارد.

طبیعتاً شیخ بهایی در ارشادات و مواعظ خود، در ترویج معروفات و نهی از منکرات اقدام می‌نموده و از این طریق بزرگان را در عدالت‌ورزی و نیکی کردن در حق مردم ترغیب می‌کرده است. چنان‌که در کتاب اربعین، در شرح حدیث پانزدهم، که درباره حرمت اعانت ظالمان و گرایش قلبی به آنها وارد شده، به تفصیل دیدگاه‌های خود را مطرح کرده است (عاملی، الاربعون حدیثاً). شیخ درباره این موضوع به‌طور صریح و شفاف سخن گفته است به‌گونه‌ای که می‌توان

دیدگاه و عقاید باطنی او را در مورد رفتار با حاکم جور و نیز علل و عوامل همکاری خود با شاهان صفوی را، که کاستن از میزان ظلم و ستم آنان در حق مردم است، به دست آورد. مثنوی سوانح الحجاز یا مثنوی سوانح سفر حجاز او که به مثنوی نان و حلوا معروف است نیز آمیخته- ای از مواعظ طنز، حکایت، تمثیل و لطایف عرفانی و معنوی است (نک. بهایی، ۱۷۸- ۱۵۷). روانی و دل‌نشینی این اشعار به راحتی می‌توانست طیف گسترده‌ای را تحت تأثیر آموزه- های خود قرار دهد. تحلیلی که شیخ بهایی از مثنوی نان و حلوا ارائه می‌دهد ترسیم و تبیین ریاکارانه تلبیس و غرور به مال و منال و عنوان و منصب دنیایی است. بهایی در یکی از بخش- های این مثنوی به دوری از سلاطین که خود آن را از نزدیک تجربه کرده بود اشاره می‌کند چرا که قرب شاهان غارت دل و دین را در پی دارد و آفت جان می‌شود و پای‌بند راه ایمان. او مرادده با سلاطین را باعث تیرگی باطن و محرومیت از کمالات معنوی می‌دانست و در اشعار خود (و) با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی نظیر آیه لاترکونوا^۱) از مصاحبت و قرب پادشاهان به صراحت منع کرده است (نک. بهایی، ۱۷۲؛ معصومی، ۱۲۹؛ صفحی، ۴۴).

۴. استفاده از موقعیت امامت جمعه. یکی از مباحث فقهی که در دوره صفویه میان فقها مطرح شد اقامه نماز جمعه بود. تأسیس این دولت شیعی، شیعیان را به این فکر انداخت که با وجود نایب عام امام معصوم در جامعه، نماز جمعه را برپا دارند. همین موضوع موجب شد که بحث نماز جمعه به طور جدی مطرح شود. شماری از فقها قائل به وجوب عینی نماز جمعه شدند و شرط وجود امام معصوم و نایب خاص و عام او را در عصر غیبت لازم نمی‌دیدند و عده‌ای دیگر قائل به حرمت اقامه جمعه بودند.

به هر رو علما با اقامه نماز جمعه، نفوذ بیش‌تری در جامعه به دست آورده و بدین وسیله نظام مطمئنی را برای حفظ نفوذ خود و اقامه حدود شرعی و احکام اسلام در اختیار می‌گرفتند. از این طریق ائمه جمعه می‌توانستند بر کارهای حکام محلی نظارت و از پایمال شدن حقوق بسیاری از محرومان جلوگیری نمایند. بدیهی است وقتی که تنها اجرای عرفیات در محدوده اختیارات حکام محلی قرار می‌گرفت و نوعاً قانونی هم وجود نداشت که حکام در چارچوبه آن عمل کنند، نفوذ علما در آنها و محبوبیت‌شان در دل‌های مردم، و تعیین‌شان به مقام شیخ- الاسلامی و امامت جمعه، آنان را به صورت سپری در مقابل تجاوزات حکام درمی‌آورد (جعفریان، ۱۳۷). شیخ بهایی که خود در زمره عالمانی بود که در این دوره قائل به وجوب تخیری نماز جمعه بود، «در اقامت نماز جمعه بنا بر اختلافی که علمای ملت در شروط آن

۱. هود/۱۱۳.

کرده‌اند و مدت‌های مدید متروک و مهجور بوده، سعی بلیغ به تقدیم رسانیده، با جمعی کثیر از مؤمنین به آن اقدام می‌نمود» (حسینی عاملی، ۲۶۴). شیخ بهایی در رساله اعتقادات خود تأکید کرده است: «و اعتقاد داریم ما، که شیعه اثناعشریه‌ایم، به مستحب بودن نمازجماعت و واجب بودن نمازجمعه با شرایط جمعه» (عاملی، اعتقادات شیخ بهایی، ۳۲۴). او که مدتی منصب امامت جمعه اصفهان را برعهده داشت (ملازاده، ۶۷۳/۴)، از همین منصب، پایگاه مردمی خویش را حفظ می‌کرد و با تماس نزدیک با مردم و قرارگرفتن در جریان مشکلات و خواسته‌های آنها در رسیدگی به امور آنان، نفوذ و توان خود را به کار می‌گرفت.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۶۵

۵. پاسخ‌گویی به نیازهای فقهی مردم. شیخ بهایی به‌عنوان یکی از فقهای سرشناس که در عرصه‌های گوناگون علمی، سیاسی، فرهنگی و هنری شهرت جهانی داشت و در علوم عقلی و نقلی دارای تألیفات بسیار بود، بی‌گمان مورد مراجعه مردم برای سؤال‌های شرعی خود بود. پاسخ‌گویی شیخ به این سؤال‌ها علاوه بر توجه وی به امور مردم، پایگاه مردمی او را نیز تقویت می‌کرد. تألیف جامع عباسی که از نخستین و معروف‌ترین رساله‌های عملیه به‌زبان فارسی است، ابتکاری نو در نگارش متون فقهی برای استفاده عامه مردم به حساب می‌آید که شیخ بهایی به تألیف آن دست زد. این اثر بنابر درخواست شاه عباس یکم و با هدف پاسخ‌گویی به سؤال‌ها و نیازهای شرعی عموم مردم نگارش یافت (نک. منشی، ۱/ ۲۴۸؛ قمی، عباس، ۲/ ۷۹۶؛ کشمیری، ۳۳؛ مطهری، ۳/ ۷۷؛ قصری، ۵۳، ۶۳-۶۲؛ ملازاده، ۶۷۱/۴). جامع عباسی که برای تسهیل و استفاده عملی توده مردم نوشته شد در آن زمان در دست همگان دیده می‌شد (کمپفر، ۱۷۹).

افزون بر این، کتاب زبدة‌الاصول در اصول فقه، اثنی عشریات خمس که به‌نام‌های رسائل خمس اثنی عشریه و رساله اثنی عشریه نیز معروف است در فقه شامل طهارت، صلاة، زکات، صوم و حج، کتاب اربعین حدیث (اربعین، چهل حدیث)، الاعتقادیه (در اصول و فروع اعتقادات شیعه اثنی-عشریه)، التحفة (در تحدید کُر شرعی و اندازه آن)، رساله در قبله، رساله در زکات، رساله درباره قصرالصلاة فی الاماکن الاربعه، رساله در باره استحباب قرائة السورة بعد الحمد فی الصلوة، رساله حریریة (در باره آنچه نماز گزاردن با آن درست نباشد)، رساله ارثیه، رساله ذبیحه (رساله فی ذبیح اهل کتاب) و شمار بسیاری کتاب در حوزه معارف دینی و احکام فقهی نشان می‌دهد که شیخ می-کوشیده مشکلات فقهی و شرعی مردم را پاسخ دهد، چه محضرش محل رجوع مردم بوده است (برای آثار شیخ، نک. قمی، عباس، ۲/ ۷۹۹-۷۹۸؛ کشمیری، ۳۴-۳۳؛ امینی، ۱۱/ ۳۵۹-۳۵۶؛ مدرس تبریزی، ۳/ ۳۱۲-۳۰۷؛ قصری، ۶۳-۶۲؛ نعمه، ۲۷۲-۲۶۶). نظر فقهی شیخ بهایی درباره مصارف زکات در عصر غیبت راهکاری است در جهت رفع برخی محرومیت‌ها و فقر از

جامعه، زیرا وی حاکم شرع را اجازه می‌دهد که کسانی را برای جمع‌آوری زکات نصب کند و درآمد حاصل از آن به فقرا و مساکین، عاملان زکات، بردگان، غارمین (وامداران)، فی سبیل‌الله (ساخت و تعمیر پل‌ها، مساجد و مدارس)، ابن‌السبیل (درواه‌مانده‌ها) و نومسلمانان اختصاص یابد (عاملی، جامع عباسی، ۷۰-۶۹).

۶. **تأسیس حوزه‌های علمی و تربیت شاگرد.** شیخ شخصیتی علمی بود و در تمام علوم رسمی زمان خود دست داشت و در برخی از آنها منحصربه‌فرد بود. او در حوزه معارف دینی و علوم اسلامی استاد بود و از خود خلاقیت بسیار نشان داد. او در سلسله اجازات روایی، از محدثان امامی برجسته سده یازدهم هجری قمری به‌شمار می‌رود و طرق بسیاری از اجازات محدثین در سده‌های اخیر به او و از او به پدرش و شهید ثانی منتهی می‌شود (خوانساری، ۶۰/۷؛ عاملی، الاربعون حدیثاً، ۶۵-۶۳؛ ملازاده، ۴/۶۶۷). وی توان علمی خود را در بنیاد گذاشتن مراکز علمی و تربیت شاگردان برای خدمت علمی، فرهنگی و دینی به جامعه به‌کار گرفت. وی در شکوفایی علمی حوزه اصفهان نقش اساسی داشت، به‌طوری‌که بعضی منابع او را مؤسس چندین مدرسه علمی در اصفهان دانسته‌اند (امین، ۹/۲۳۶). او شاگردان زیادی تربیت کرد که در برخی نوشته‌ها حدود صد نفر از این شاگردان نام برده شده‌اند (نک. قمی، عباس، ۲/۸۰۴-۸۰۳؛ امینی، ۱۱/۳۵۵-۳۴۷؛ ملازاده، ۴/۶۶۴).

همچنین شیخ تألیفات و تصنیفات فراوانی در زمینه‌های مختلف علمی دارد که تعداد آن را شصت و حتی افزون بر صد شماره کرده‌اند (نک. مدرس تبریزی، ۳/۹۴؛ زونزی، ۲/۱۹۸-۱۵۶؛ امینی، ۱۱/۳۵۹-۳۵۶؛ نفیسی، ۹۲-۸۰؛ جهانبخش، ۱۲۷-۱۲۵؛ زادحوش، ۴۲۶-۴۱۳) بسیاری از این آثار، رساله‌هایی هستند که جنبه کاربردی داشته و مورد استفاده طلاب در مدارس یا پاسخ‌گویی به نیاز مردم و جهت بهره‌برداری آنها بوده است. بر برخی از این آثار، دانشمندان معاصر شیخ و دانشمندان پس از او شروح و تعلیقاتی به نظم یا نثر نوشته‌اند. علامه امینی، فهرست مفصلی (۱۴۸مورد) از این شروح را برشمرده است (امینی، ۱۱/۳۷۰-۳۵۹). شیخ هرکجا که می‌رفت محضرش مجمع ارباب فضل و ادب بود. چنان‌که به‌هنگام مشهد توقف داشته، منزلش محفل ارباب کمال و مدرّس طلاب علوم بوده است (مدیر شانه‌چی، ۲۰۶).

از امتیازات اخلاقی شیخ که نشان سلوک اجتماعی اوست، فروتنی شیخ است که با مکتب علمی و شخصیت اجتماعی و مصاحبت اعیان زمان، از نشست و برخاست با جمعی طلبه، نه تنها اعراضی نداشت بلکه آن را بر مجالست با رجال و اعیان ترجیح می‌داد. حتی گاهی لباس فقر و درویشی به‌بر می‌کرده و در ساحت انزوا سفر می‌نموده و خود بر این معنی مباحث می‌-

کرده و در بزرگداشت اهل علم و تقوا فروگذار نمی‌کرده است (مدیر شانه‌چی، ۲۰۷). شیخ بهایی به همه مهر می‌ورزیده و همه را ارشاد می‌کرده و از کنار سریر شاه عباس تا کلبه حقیر کم‌ترین فقیران همه‌جا خانه او بوده و همه او را از دل و جان می‌پذیرفته‌اند. در مسجد و مدرسه و میخانه و خانقاه، در صومعه و خرابات، نام و نشانی از او به‌جا مانده و هر یک شیخ را از آن خود می‌شمارده و او را به صدق دل دوست داشته‌اند (کتابی، ۱/ ۲۷۹-۲۷۸).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۶۷

۷. کارهای عمرانی و خدماتی. شیخ بهایی در حیات خود اقدامات مختلفی انجام داده که در جهت مصالح عمومی، رفاه و آسایش مردم و زندگی بهتر آنان بوده است. برای نمونه، براساس گزارش منابع، طراحی کاریز نجف‌آباد معروف به قنات زرین‌کمر به شیخ بهایی منسوب است (ملازاده، ۴/ ۶۶۸؛ نبی، ۴۷۰). در آن روزگار اهمیت کاریز برای تأمین آب شرب و مشروب ساختن مزارع و رونق حیات اجتماعی بر کسی پوشیده نیست. اهتمام شیخ به طراحی این کاریز نشان اهتمام وی به سروسامان بخشیدن به نیازهای اساسی مردم بوده است. همچنین اثر مهندسی تقسیم آب زاینده‌رود برای هفت ناحیه از نواحی اصفهان (مدرس تبریزی، ۳/ ۳۰۳) که خصوصیات آن به تفصیل در سندی که به طومار شیخ بهایی شهرت دارد، آمده است. طومار شیخ بهایی در امر کانال‌کشی و تقسیم آب و بهره‌برداری متناسب از آب زاینده‌رود، نه تنها در مورد اصفهان و زمین‌های اطراف زاینده‌رود است بلکه با به‌کارگیری از اصول ارائه شده، در همه موارد می‌توان از آن بهره‌برداری کرد (نبی، ۴۷۰). طبق این طومار، آب رودخانه به ۳۳ سهم تقسیم می‌شد که به‌وسیله نهرهایی که از رودخانه منشعب می‌گردید و آنها را مادی می‌نامیدند آب را به قراء و دهات می‌رساندند (جواهرکلام، ۱۴-۱۲؛ هنرفر، اصفهان، ۲۸-۲۳). چنین اقدامی در بهره‌وری مناسب بلوکات از آب زاینده‌رود و جلوگیری از بروز اختلافات و درگیری‌های محله‌ای و در نتیجه آسایش و امنیت مردم مؤثر بوده است. هرچند یکی از نویسندگان با ارائه ادله‌ای سواد فرمان موجود در مالیه اصفهان را مورد تردید قرار داده است (جواهرکلام، ۱۶-۱۴).

طریقی که شیخ بهایی در تشخیص سمت قبله و تعیین درجه انحراف جهت قبله مسجد شاه اصفهان ارائه داد در زمان خود تعیین اوقات شرعی را برای نمازگزاران آسان نمود. محاسبه دقیق او از طریق فنی، این موضوع را که بین علما محل اختلاف بود، عالمانه حل کرد و مردم از بلا تکلیفی بیرون آمدند (نفیسی، ۶۳-۶۲). در مدرسه جنوب‌غربی مسجد، قطعه سنگ ساده‌ای به شکل شاخص در محل معین تعبیه شده است که ظهر حقیقی اصفهان را در چهار فصل سال نشان می‌دهد. محاسبه آن را شیخ بهایی از روی دانش ریاضی و نجوم که در آن متبحر بود، انجام داده است

(هنرفر، گنجینه...، ۴۵۵؛ نبی، ۴۶۹). مأموریت شیخ از سوی شاه عباس در ۱۰۱۷ برای آماده کردن مقدمات تعمیر رصدخانه مراغه (فلسفی، ۳۷۶ / ۲) از دیگر خدمات عمرانی او است که بخشی از فعالیت رصدخانه‌ها در جهت فواید عامه و خدمات عمومی جامعه بوده است.

به تعبیر یکی از صفویه‌پژوهان اروپایی، شیخ بهایی دست راست شاه عباس بوده در کار عملی-ساختن طرح عظیم و بلندپروازانه بنای پایتخت بزرگ در اصفهان، با خیابان‌ها، قصرها، دیوانخانه، مساجد و مدارس، بازارها، حمام‌ها، قلعه‌ها و باغ‌ها (سیوری، ۱۵۲). این طرح عظیم که شیخ بهایی در چهره یک مهندس در طراحی و بنای آن نقش داشت شهر جدیدی را برای زیست مردم رقم زد که بازار^۱ پر جنب و جوشی را برای کسب و کار اصناف گوناگون و گذران زندگی آنان پدید آورد (همو، ۱۵۶). در میدان نقش جهان روزها مسگران، کهنه‌فروشان، خرده‌فروشان، پیشه‌وران و صنعتگران خرده‌پا و به‌عبارتی فروشندگان هر نوع کالا اعم از عرضه‌کنندگان هر نوع مواد خوراکی و چیزهای دیگر بساط پهن می‌کردند و شب‌ها میدان به محل تردد جمعیت زیادی از بازیگران، شعبده‌بازان، بندبازان، خیمه‌شب‌بازان، قصه‌پردازان، مسأله‌گوها، معرکه‌گیران، نقالان، درویشان و ... بدل می‌شد (شاردن، ۴ / ۱۴۲۹-۱۴۲۸؛ سیوری، ۱۵۷). بی‌گمان در این شور و نشاط و جریان زندگی مردم، دانش و همت شیخ بهایی به‌مثابه یک عالم شیعی در خدمت‌رسانی مشهود است.

شیخ بهایی حتی از سنت وقف و خیرات نیز در جهت خدمت به عامه استفاده کرده است. برای نمونه، او یک کتابخانه نفیس چهارهزار جلدی را در ۱۰۳۰ وقف کرد. این کتابخانه در اصل متعلق به شیخ علی منشار عاملی پدرزن شیخ بهایی بود که پس از مرگ شیخ منشار به همسر شیخ بهایی به ارث رسیده بود (قمی، عباس، ۲ / ۸۰۰؛ افندی، ۱۴۰۱). عدم تعلق خاطر شیخ به دنیا و شیوه زاهدانه و عارفانه وی در اقدام به احسان و خیرات نسبت به نیازمندان و تهی‌دستان جامعه بی‌تأثیر نبوده است. او در مثنوی "نان و حلوا"، حُب دنیا و مناصب دنیوی را سرزنش کرده و بخشی از پیامدهای سوء آن را برشمرده و در آخر، حب دنیا را «رأس کل خطیئه» و ترک دنیا را «رأس کل عباد» دانسته است (نک. بهایی، ۱۷۴-۱۷۳؛ معصومی، ۱۳۲-۱۳۱).

مردمی‌بودن و مردم‌گرایی شیخ، موجب اعتبار و احترام او نزد مردم شد به‌گونه‌ای که وقتی چشم از جهان فرو بست (۱۰۳۰ق) «وضع و شریف در برداشتن جنازه او به یکدیگر سبقت می‌جستند» و ازدحام مردم در تشییع جنازه او به قدری بود که در میدان نقش جهان با همه وسعت آن، حمل جنازه دشوار بود و بر جنازه وی، علما و فضلا نماز گزارند (منشی، ۳ / ۱۶۰۲؛ حسینی عاملی، ۲۶۰). به نقل ملامحمدتقی مجلسی، وی برای خواندن نماز بر جنازه شیخ با جمیع

۱. درباره بازار اصفهان و صنوف آن، ر.ک: شاردن، ۴ / ۱۴۶۸-۱۴۲۹.

طلاب و فضلا و بسیاری از مردم که قریب پنجاه هزار بودند، شرکت کرده است (مجلسی، ۴۳۶؛ قمی، عباس، ۸۰۱/۲؛ کشمیری، ۲۹؛ خوانساری، ۳۲۷/۷). پس از وفات، جنازه او را به مشهد مقدس رضوی انتقال دادند و در منزلی که در ایام اقامت در مشهد مقدس، مدرّس شیخ بود، به خاک سپردند (منشی، ۱۶۰۲/۳؛ کشمیری، ۲۸؛ قمی، عباس، ۸۰۱/۲). با توسعه حرم مطهر امام هشتم ۷، مزار شریف وی داخل آستانه مقدّسه قرار گرفت و اینک در کنار تربت پاک آن امام ۷، مورد احترام و زیارت زائران است.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۶۹

نتیجه

بررسی تاریخی در شرح احوال عالمان شیعی، کنش اجتماعی آنان را در بستر جامعه و در ارتباط با توده‌های مردم نشان می‌دهد. یکی از ابعاد شخصیتی عالم بزرگ شیعی، شیخ بهایی، که در این پژوهش به‌عنوان نمونه مطرح گردید نیز مردمی بودن، اوست. وی به‌رغم دارا بودن مناصب مهم اجتماعی و رفت‌وآمد در دربار صفویان، به تعلقات دنیوی دل نبست و به زندگی ساده و زاهدانه‌ای بسنده کرد و یکی از اهدافش در پذیرش مناصب حکومتی و برخی امور سیاسی - اجتماعی، رسیدگی به امور مردم و خدمت به آنان بوده است. بنابراین، همان‌گونه که در متن مقاله تبیین شد، شیخ هم در متن مسئولیت‌ها و هم در متن سیره عملی و زندگی شخصی خود با مردم ارتباط نزدیک داشته و در رفع حوائج و خواسته‌های آنها در حد توان کوشیده است و شهرت او نه فقط در میان عالمان و اندیشمندان بلکه نزد توده مردم نیز تا حد افسانه‌سرای‌ها و مبالغه‌ها، زیانزد گشته است. سلوک اجتماعی شیخ بهایی، نمونه‌ای است از تعامل عالمان شیعی با مردم که چگونه با ارتباط مستحکم مردمی، زندگی آنها در بستر حیات اجتماعی جریان داشته و از مقبولیت عمومی برخوردار بوده‌اند.

منابع

- افندی اصفهانی، میرزا عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ترجمه محمدباقر ساعدی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶ ش.
- امین، محسن، اعیان الشیعه، بیروت، چاپ حسن امین، ۱۴۰۳.
- امینی، عبدالحسین، الغدیر، ترجمه جلیل تجلیل، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۸۹ ش.
- اولناریوس، آدام، سفرنامه آدام اولناریوس، ترجمه حسین کردبچه، تهران، کتاب برای همه، ۱۳۶۹ ش.
- آقاجری، هاشم، مقدمه‌ای بر مناسبات دین و دولت در ایران عصر صفوی، تهران، طرح نو، ۱۳۸۹ ش.
- بازرگان، مهدی، «انتظارات مردم از مراجع»، در: بحثی در باره مرجعیت و روحانیت، جمعی از نویسندگان، تهران، انتشار، بی تا.
- بنانی، امین، «ساختار اجتماعی - اقتصادی دوره صفوی»، صفویان، جمعی از نویسندگان، ترجمه یعقوب آژند، تهران، مولی، ۱۳۸۰ ش.
- بهایی (شیخ)، کلیات اشعار و آثار فارسی همراه با کشکول شیخ بهایی، تصحیح سعید نفیسی، به کوشش کاظم عابدینی مطلق، قم، توسعه قلم، ۱۳۹۲ ش.
- تاورنیه، ژان باتیست، سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، تهران، کتابخانه سنایی و کتابفروشی تأیید اصفهان، ۱۳۶۹ ش.
- ثواقب، جهانبخش، «فرایند تحول مکتب اخباری و اصولی (با تأکید بر واکنش شیخ بهایی)»، پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۲.
- جعفریان، رسول، دین و سیاست در دوره صفوی، قم، انصاریان، ۱۳۷۰ ش.
- جواهرکلام، علی، زنده‌رود یا جغرافیای تاریخی اصفهان و جلفا، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۸ ش.
- جهانبخش، جويا، مقدمه بر: اعتقادات شیخ بهایی (متن عربی رساله الاعتقادات شیخ بهاء‌الدین محمد عاملی به همراه سه ترجمه و شرح فارسی آن)، تهران، اساطیر، ۱۳۷۸ ش.
- حر عاملی، محمدبن حسن، امل الآمل، چاپ احمد حسینی، نجف، الآداب، ۱۳۸۵.
- حسینی عاملی، محمدشفیع، محافل المؤمنین فی ذیل مجالس المؤمنین، تصحیح ابراهیم عرب‌پور و منصور جغتایی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۳ ش.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۷۰

- خواندمیر، غیاث‌الدین، حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر، تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران، کتابفروشی خیام، ۱۳۵۳ ش.
- خوانساری، محمدباقر، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، ترجمه محمدباقر ساعدی خراسانی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۶ ش.
- زادهوش، محمدرضا، «مؤلفات و مصنفات شیخ بهایی»، شناخت‌نامه شیخ بهاء‌الدین عاملی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
- زنوزی، حسن حسینی، ریاض‌الجنه، تصحیح علی رفیعی، قم، کتابخانه آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۷۸ ش.
- سانسون، سفرنامه سانسون، ترجمه تقی تفضلی، تهران، ابن سینا، ۱۳۷۸ ش.
- سحابی، عزت‌الله، مقدمه‌ای بر تاریخ جنبش ملی ایران، تهران، انتشار، ۱۳۶۴ ش.
- سیستانی، ملک‌شاه‌حسین، تذکره خیرالبیان، در: مقالات عارف، به‌کوشش عارف نوشاهی، دفتر دوم، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار، ۱۳۸۶ ش.
- سیوری، راجر، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، مرکز، ۱۳۷۲ ش.
- شاردن، جان، سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، توس، ۱۳۷۴ ش.
- شناخت‌نامه شیخ بهاء‌الدین عاملی (مجموعه مقالات و گفتارهای فارسی)، به‌اهتمام علی-اکبر زمانی‌نژاد، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
- صفحی، محمد، مجموعه‌ای از آثار و اشعار شیخ بهایی، قم، ارم، ۱۳۷۴ ش.
- عاملی، بهاء‌الدین محمد معروف به شیخ بهایی، جامع عباسی، تهران، فراهانی-عابدی، بی‌تا.
- عاملی، بهاء‌الدین محمد، اعتقادات شیخ بهایی (متن عربی رساله الاعتقادات شیخ بهاء‌الدین محمد عاملی به همراه سه ترجمه و شرح فارسی آن)، به‌کوشش و پژوهش جویا جهانبخش، تهران، اساطیر، ۱۳۷۸ ش.
- عاملی، محمدبن حسین، الاربعون حدیثاً، تحقیق ابوجعفر کعبی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۰.
- فلسفی، نصرالله، زندگانی شاه عباس اول، تهران، علمی، ۱۳۶۹ ش.
- قصری، محمد، سیمایی از شیخ بهایی در آیینه آثار، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴ ش.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

- قمی، شیخ عباس، الفوائد الرضویه فی احوال علماء المذهب الجعفریه، سرگذشت عالمان شیعه، تحقیق ناصر باقری بیدهندی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۷ش.
- قمی، قاضی احمد، خلاصه التواریخ، تصحیح احسان اشراقی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ش.
- کشمیری، محمدعلی آزاد، نجوم السماء فی تراجم العلماء، تصحیح میرهاشم محدث، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۷ش.
- کتابی، محمدباقر، رجال اصفهان در علم و عرفان و ادب و هنر، اصفهان، گلها، ۱۳۷۵ش.
- کدی، نیکی آر، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، قلم، ۱۳۶۹ش.
- کمپفر، انگلبرت، سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۳ش.
- الگار، حامد، دین و دولت در ایران: نقش علما در دوره قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس، ۱۳۶۹ش.
- مجلسی، محمدباقر، روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، قم، المطبعة العلمیه، ۱۴۱۳.
- محبی، محمدمامین، خلاصه الاثر فی اعیان القرن الحادی عشر، مصر، مطبعة الوهیبیه، ۱۸۶۸.
- مدرس تبریزی، محمدعلی، ریحانة الادب، تهران، خیام، ۱۳۷۴ش.
- مدنی، علی خان، سلافة العصر فی محاسن الشعراء بکل مصر، مصر، ۱۳۲۴.
- مدیر شانه‌چی، کاظم، «شیخ بهایی»، شناخت‌نامه شیخ بهاء‌الدین عاملی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ش.
- مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی: ج ۳، اصول فقه، قم، صدرا، ۱۳۵۸ش.
- معصومی، جواد، کلیات دیوان شیخ بهایی، قم، طوبی محبت، ۱۳۸۷ش.
- ملازاده، محمدحانی، «بهاء‌الدین عاملی»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دایره‌المعارف اسلامی، ۱۳۷۷ش.
- ملکم، سر جان، تاریخ ایران، ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، تهران، سنایی، ۱۳۸۳ش.
- منجم، ملاجلال‌الدین، تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، تهران، وحید، ۱۳۶۶ش.

- منشی، اسکندریبگ، تاریخ عالم‌آرای عباسی، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۷ش.
- میرزا سمیعا، تذکره‌الملوک (با تعلیقات مینورسکی)، به‌کوشش محمد دبیرسیاقی، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۸ش.
- میرزا رفیعا، محمدرفعی، دستورالملوک، به‌کوشش محمداسماعیل مارچینکوفسکی، ترجمه علی کردآبادی، تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۵ش.
- نبئی، ابوالفضل، «مقام شیخ بهاء‌الدین العاملی در دانش سمائی»، شناخت‌نامه شیخ بهاء‌الدین عاملی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ش.
- نعمه، عبدالله، «البهائی فی فلاسفة الشیعه»، الشیخ بهاء‌الدین محمد العاملی (مجموعه رسائل و بحوث فی سیره الشیخ البهائی)، مجموعه من المحققین، قم، مرکز العلوم والثقافة الاسلامیه، ۱۳۸۷ش.
- نفیسی، سعید، مقدمه بر: کلیات اشعار و آثار فارسی همراه با کَشکول شیخ بهایی، به‌کوشش کاظم عابدینی مطلق، قم، توسعه قلم، ۱۳۹۲ش.
- واله اصفهانی، محمدیوسف، ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۰ش.
- _____، خلدبرین، به‌کوشش میرهاشم محدث، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۲ش.
- هنرفر، لطف‌الله، اصفهان، تهران، کتاب جوان، ۱۳۴۶ش.
- _____، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، اصفهان، ثقفی، ۱۳۴۳ش.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۷۳

